

An Evaluation of Architecture and Urban Planning of Egypt from the Perspective of the Holy Qur'an

Hossein Rahmani Tirkalaei¹

Received: 25/02/2022

Accepted: 13/03/2022

Abstract

One of the ancient human civilizations is the civilization of ancient Egypt, which is understood as the existence of civilization in ancient Egypt from the verses of the Holy Qur'an. The Holy Qur'an refers to the historical geography of Egypt, including fertility, reserves, historical figures of the Egyptian religions, classification of Egyptian rulers and kings, and so on. One of the aspects in these verses of the Holy Qur'an is the quality of architecture and urban planning of the land of Egypt, which in this paper explains the quality of the city Egypt, through an analytical-fundamental method. This paper studies four topics of antiquities and architecture of the Egyptian pyramids, tower and palace construction in Egypt, Egyptian gates and Egyptian urban structure. Finally, the findings suggest that the land of Egypt was one of the most modern areas in terms of urban planning and architectural structure, which indicates the existence of appropriate technical knowledge about this paper at that time.

Keywords

Architecture, urban planning, Egypt, tower construction, palace construction, The Holy Qur'an.

1. Associate Professor, Department of Ma'arif, Payam Noor University, Tehran, Iran.

khodadadmehdi91@yahoo.com.

* Rahmani Tirkalaei, H. (1400 AP). An Evaluation of Architecture and Urban Planning of Egypt from the Perspective of the Holy Qur'an. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 3(10), pp. 159-173.

DOI: 10.22081/jqss.2022.63456.1175

ارزیابی معماری و شهرسازی سرزمین مصر از منظر قرآن کریم

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶

چکیده

یکی از تمدن‌های کهن بشری تمدن مصر باستان است که از آیات قرآن کریم وجود تمدن در مصر باستان فهمیده می‌شود. قرآن کریم به جغرافیای تاریخی کشور مصر، از جمله حاصل‌خیزی، ذخایر، مفاخر تاریخ ادیان مصر، طبقه‌بندی حکام و پادشاهان مصر و ... اشاره کرده است. یکی از جنبه‌های موجود در آیات قرآن کریم، کیفیت معماری و شهرسازی سرزمین مصر است که در این مقاله به تبیین کیفیت شهری در سرزمین مصر، با روشی تحلیلی - بنیادی پرداخته شده است و چهار موضوع آثار باستانی و معماری اهرام مصر، برج‌سازی و کاخ‌سازی در مصر، دروازه‌های مصر و ساختار شهری مصر بررسی شده است؛ و در نهایت بدین نتیجه رسیده است که سرزمین مصر، از حیث شهرسازی و ساختار معماری یکی از مدرن‌ترین مناطق محسوب می‌شده که نشان از وجود دانش فنی مناسب در خصوص این مقاله در آن برهه زمانی دارد.

کلیدواژه‌ها

معماری، شهرسازی، مصر، برج‌سازی، کاخ‌سازی، قرآن کریم.

khodadadmehdi91@yahoo.com

۱. دانشیار گروه معارف دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

* رحمانی تیرکلایی، حسین. (۱۴۰۰). ارزیابی معماری و شهرسازی سرزمین مصر از منظر قرآن کریم قرآنی فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم و قرآن، (۱۰)، صص ۱۵۹-۱۷۳.
DOI: 0.22081/jqss.2022.63456.1175

مقدمه

یکی از تمدن‌های کهن بشری تمدن مصر باستان است. از آیات قرآن کریم وجود تمدن در مصر باستان فهمیده می‌شود. قرآن کریم به جغرافیای تاریخی کشور مصر، از جمله حاصل‌خیزی، ذخایر، مفاخر تاریخ ادیان مصر، طبقه‌بندی حاکمان و پادشاهان مصر اشاره کرده است. سرزمین مصر آکنده از نعمت‌های خداوندی بود؛ اما حکومت فراعنه نه تنها از این امکانات در مسیر توحید و خدمت به مردم بهره نمی‌جستند، بلکه همواره در مسیر بت‌پرستی گام می‌نهادند و با بنی‌اسرائیل با غلظت تعامل می‌کردند. داشتن تمدن مادی پیشرفته در زمینه‌های گوناگون از جمله شهرسازی و معماری به خودی خود هدف نیست و هرگز به منزله تأیید از ناحیه خداوند نیست، بلکه این امور از ابزارهای زیست مادی‌اند و با کفر نیز قابل جمع‌اند؛ همان‌طور که طبق بیان مفسران، امکانات در اختیار فرعون، قبطیان و ملأ او، در سطح بالایی بود؛ «مصر از مناطق بسیار زیبا بود که مورد توجه ساحل‌نشینان دو طرف شط عظیم نیل بوده است که در اختیار فرعونیان و قبطی‌ها قرار داشت. قصرهای زیبا و خانه‌های مجلل و باغ‌های خرم و مزارع آباد را در همین منطقه می‌ساختند و طبعاً به بنی‌اسرائیل که بردگان آنها بودند، از زمین‌های دورافتاده و بیابان‌ها و نقاط کم‌آب، سهمی می‌رسید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۳۲۳).

قرآن کریم از دقیق‌ترین تعبیر و لطیف‌ترین اسلوب‌ها در انتقال مفاهیم استفاده کرده و همین امر راه را باز نموده تا اهل پژوهش بتوانند در خصوص موضوعات مختلف مطرح‌شده در آیات شریفه با نگاه مدققانه به موشکافی موضوعات پردازند. تا کنون با این رویکرد کمتر به آیات قرآن خصوصاً موضوعات الفاظ‌شناسی نظر شده است که گسترش پردازش به این رویکرد، سبب خواهد شد جنبه‌های مخفی و لطافت‌های موجود در آیات شریفه بیش از پیش تبیین گردد. یکی از جنبه‌های موجود در آیات قرآن، کیفیت معماری و شهرسازی سرزمین مصر است که نگارنده به سبب ضرورت

یادشده و تبیین این کیفیت شهری در سرزمین مصر، با روشی تحلیلی - بنیادی به واکاوی این موضوع پرداخته است و در نهایت بدین نتیجه رسیده است که سرزمین مصر، از حیث شهرسازی و ساختار معماری یکی از مدرن‌ترین مناطق محسوب می‌شده که نشان از وجود دانش فنی مناسب در خصوص این مقوله در آن برهه زمانی دارد. البته غرض نگارنده از تبیین جنبه‌های شهرسازی و معماری سرزمین مصر، تأیید این نوع معماری یا پیوند دادن با مشروعیت آن حکومت نیست؛ برخلاف گمانی که متصور است پیشرفت‌های مادی در سطح مصر در آن برهه زمانی، جز با تأیید خداوند ممکن نبوده است، درحالی که خداوند بارها فرموده، امکانات مادی کفار در جهت تشدید مجازات آنها بوده نه تأییدشان: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُوَلِِّي لَهُمْ لِيُذَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ آنها که کافر شدند (وراه طغیان پیش گرفتند) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم به سود آنها است. ما به آنان مهلت می‌دهیم که بر گناهان خود بیفزایند و عذاب خوارکننده‌ای برای آنها است» (آل عمران، ۱۷۸).

۱. معناشناسی مصر از نگاه قرآن کریم

کلمه مصر پنج بار در قرآن کریم تکرار شده است (بقره، ۶۱؛ یونس، ۸۷؛ یوسف، ۲۱ و ۹۹؛ زخرف، ۵۱). کاربرد کلمه مصر در همه این موارد به یک معنا نیست، درحالی که برخی مفسران دچار لغزش شده و همه را به یک معنا دانسته‌اند. کاربرد کلمه «مصر» در آیات شریفه بر دو گونه است؛ ۱. مصر به معنی منطقه‌ای و شهر و کشوری که به آن مصر می‌گفتند، مانند «وَأَنذَرْتُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَ فَلَا تُبْصِرُونَ؛ فرعون در میان مردمش ندا داد که ای قوم من، آیا پادشاهی مصر و این جویباران که از زیر پای من جاری هستند از آن من نیستند؟ آیا نمی‌بینید؟ (زخرف، ۵۱).

۲. مصر به معنی مطلق شهر که جمع آن امصار است، مانند «اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ؛ به شهری فرود آید که آنچه خواستید بیاید» (بقره، ۶۱)؛ همانند کاربرد لفظ «مدینه» که گاهی به معنی مدینه مصطلح است و گاهی در معنی عام شهر به کار می‌رود. از نظر ادبی، راه بازیابی این دو گونه بدین صورت است که در گونه نخست، کلمه مصر غیر منصرف است (تنوین و کسره نمی‌گیرد) و در گونه دوم منصرف است (همه حرکات و تنوین می‌گیرد) (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۳۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۶). از این پنج بار که کلمه مصر در قرآن کریم تکرار شده، چهار مورد به معنای اول و یک مورد به معنای دوم است و آن آیه ۶۱ سوره بقره است که طبق روایات مراد از هبوط به «مصر» در این آیه ورود به سرزمین بیت المقدس است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۱۸۴).

در این تحقیق آیاتی بررسی خواهند شد که مراد از مصر در آنها، سرزمین مصر باشد.

۲. آثار باستانی و معماری اهرام مصر

برخی مفسران از برخی تعبیر درباره مصر، وجود آثار باستانی و نوعی از معماری این سرزمین را برداشت کرده‌اند که از مهم‌ترین موارد آن، اهرام ثلاثه است؛ همان‌طور که خداوند متعال در سوره فجر می‌فرماید: «وَفُوعُونَ ذِي الْأُوتَادِ؛ و فرعون دارنده میخ‌ها» (فجر، ۱۰). مفسران درباره این آیه نظریات گوناگونی ارائه کرده‌اند و برخی مراد از این تعبیر را میخ‌هایی دانسته‌اند که فرعون برای شکنجه از آن استفاده می‌کرده است: «وَفُوعُونَ ذِي الْأُوتَادِ». منظور از این فرعون، فرعون زمان موسی عليه السلام است و اگر او را ذی‌ال‌اوتاد خوانده برای این است که - بنابر آنچه در روایات آمده - هرگاه می‌خواست کسی را شکنجه کند، روی زمین می‌خواباند و با چهار میخ چهار دست و پایش را به زمین می‌خکوب می‌کرد و چه بسا روی چوب می‌خواباند و او را می‌خکوب می‌کرد. مؤید این روایات، رفتاری است که قرآن از فرعون در برابر ساحران

حکایت کرده است که به موسی ایمان آوردند و فرعون به ایشان گفت: «وَأَصْلَبْتَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّحْلِ» (طه، ۷۱). معلوم می‌شود هر کس را می‌خواستند دار بزنند، دو دست و دو پایش را بر چوبه صلیب می‌خکوب می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۱۸). طبیعی است در این حالت تعبیر به «اوتاد» نمی‌تواند دلیلی بر وجود معماری میخ‌گونه در این سرزمین باشد.

اما برخی مفسران دیدگاه متفاوتی اختیار کرده و اوتاد را همان اهرام مصر دانسته‌اند که همانند میخ‌هایی سر به فلک کشیده بودند (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۲۸۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۶۱؛ مراغی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۱۴۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۹۰۴)، برای نمونه در تفسیر قمی آمده است: «وَفِرْعَوْنُ ذِي الْأُوتَادِ عَمَلِ الْأُوتَادِ الَّتِي أَرَادَ أَنْ يَصْعَدَ بِهَا إِلَى السَّمَاءِ؛ این آیه شریفه اشاره به میخ‌هایی (برج‌ها و اهرامی) دارد که فرعون برای بالا رفتن و رسیدن به آسمان از آنها استفاده می‌کرد (تا به خداوند موسی برسد) (قمی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۳۸۷).

۱۶۳

مُظَاهَرَاتُ

ویژگی‌های فاعلی، قلی و محتوایی وحی

۳. برج‌سازی و کاخ‌سازی در مصر

سرزمین مصر، در طول تاریخ از معماری‌ای با عمارت‌سازی و کاخ‌های دارای ارتفاع برخوردار بوده است. فرعونیان با بهره‌کشی از طبقه مستضعف و فرودست جامعه و با استفاده از اهرام برده‌داری، کاخ‌های آسمان‌خراش برای خود می‌ساختند؛ آیات قرآن آسمان‌خراش‌های مصر در عصر باستان را این‌چنین ترسیم می‌کند: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَشْبَابَ الْأَشْبَابَ السَّمَاوَاتِ لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلِهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا؛ فرعون گفت: ای هامان برای من صرح (برجی) بنا کن تا به آسمان‌ها دست یابم و بدین وسیله به خدای موسی برسیم و من اعتقاد دارم که موسی در وعده خود کاذب است» (غافر، ۳۶).

کلمه «صرح» چهار بار در قرآن کریم تکرار شده است: دوبار در داستان حضرت سلمیان (نمل، ۴۴) و دو بار در داستان حضرت موسی (قصص، ۳۸؛ غافر، ۳۶). کلمه صرح در

لغت به معنای قصر و ساختمان‌های مرتفع و بلند است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۹۵ و ج ۸، ص ۸۱۵؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۶۲)؛ بنابراین معنای آیه ۳۶ سوره غافر چنین است: فرعون به وزیرش هامان دستور می‌دهد برای او کاخی بلند بسازد که بلندتر از آن وجود نداشته باشد (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۳۷۶). این تعبیر نشان می‌دهد در آن دوره به‌خوبی علم بناسازی کاخ‌ها و برج‌های مرتفع جا افتاده بوده و حاکمان مستبد آن دوره با تکیه بر دانش فنی معماران و بیگاری از بردگان و مردم، برای خود ساختمان‌ها و کاخ‌هایی بنا می‌کردند که سر در فلک داشته تا جایی که به کنایه از ارتفاع بالای آن، از گره‌خوردن با آسمان توسط فرعون سخن گفته شده است.

از دیگر آیاتی که به برج‌سازی و ساختمان‌های مرتفع در مصر زمان فراعنه اشاره دارد، این آیه است: «وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ؛ و به گروهی که همواره (از سوی فرعونیان) ضعیف ناتوان شمرده می‌شدند، مشرق‌ها و مغرب‌های آن سرزمین را که پرخیز و برکت قرار داده بودیم (سرزمین شام و فلسطین را) به ارث دادیم و سخن نیک پروردگارت بر بنی‌اسرائیل (وعده پیروزی آنها) به پاداش صبر آنان کاملاً تحقق یافت و آنچه فرعون و قومش می‌ساختند (از خانه و قصر و مناره) و آنچه داربست می‌زدند (از تاک‌ها) ویران و نابود کردیم» (اعراف، ۱۳۷).

از این آیه فهمیده می‌شود یکی از کارهای همیشگی فراعنه مصر این بود که با بیگاری کشیدن از توده جامعه برای خودشان قصر و ساختمان‌های مرتفع بنا می‌کردند. در چنین حالتی طبیعی است که سرزمین مصر آن زمان، آکنده از بناهای مرتفع و مجلل بوده باشد؛ چراکه عمده اراضی در دست حاکمان و کارگزاران حکومتی بود و مردم به‌عنوان کارگران جیره‌خوار زیردستان محسوب می‌شدند.

از دو عبارت در آیه ۱۳۷ سوره اعراف، موضوع برج‌سازی در زمان فراعنه مصر فهمیده می‌شود.

عبارت نخست «ما كان يصنع فزعون و قومه» است. این عبارت به ساختن ساختمان‌های مرتفع و کاخ‌ها تفسیر شده است که به فرمان فرعون ساخته می‌شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۲۹؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۲۶؛ مراغی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۹). بنابر این تفسیر، قرآن کریم به قصرها و ساختمان‌های بلند و آسمان‌خراشی که حاکمان مصر ساخته بودند اشاره دارد؛ به تعبیر دیگر این آیه به معماری‌های زیبا و چشمگیر عصر فرعونیان در مصر اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۳۳۰).

عبارت دوم «ما كانوا يعرشون» است. واژه «يعرشون» که در این عبارت به کار رفته است، به مراتب از صراحت بیشتری در موضوع بحث برخوردار است و دلالت نزدیک و روشن‌تری در این زمینه دارد.

واژه «يعرشون» از ریشه «عرش» است و «عرش» به معنای تخت پادشاه است. قرآن کریم درباره تخت بلقیس، ملکه سبأ واژه عرش را به کار برده است: «أهكذا عرشك» (نمل، ۴۲؛ طریحی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۴۴۵)؛ بنابراین در معنای «يعرشون» نوعی هیبت و رفعت نهفته است و بناهای حکام مصر از همین باب، دارای هیبت و بزرگی و چشم‌پرکن بوده است، به گونه‌ای که موجب ترس در میان آحاد جامعه می‌شده است؛ البته کلمه «يعرشون» دو گونه تفسیر شده است: یک تفسیر همان بود که گفته شد و تفسیر دوم باغ‌های میوه و انگور است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۱۲۲). بنابر اینکه استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد جایز باشد، هر دو معنا مراد از آیه خواهد بود و در این صورت هر دو تفسیر قابل جمع است.

علاوه بر اینکه دیگر تعابیر موجود در آیه گویای عظمت مادی و گستردگی بناهای فرعونیان در سرزمین مصر است. تعبیر به «مشارك الأرض و مغاربهها» (مشرق‌ها و مغرب‌های زمین) به سرزمین‌های وسیع و پهناوری اشاره دارد که در اختیار فرعونیان بود؛ زیرا سرزمین‌های کوچک، مشرق‌ها و مغرب‌های مختلف و به تعبیر دیگر افق‌های متعدد ندارند؛ اما یک سرزمین پهناور، به سبب خاصیت کروی بودن زمین، حتماً

اختلاف افق و مشرق‌ها و مغرب‌ها خواهد داشت؛ به همین دلیل است که ما این تعبیر را کنایه از وسعت سرزمین فراغنه گرفتیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۵۷).

۴. دروازه‌های مصر

از مطالبی که تا کنون گفته شد، روشن گردید سرزمین مصر از حیث جغرافیایی دارای گستردگی و عظمت ظاهری و باشکوهی بود که نشان‌دهنده دامنه فرمانروایی گسترده فرعون بود و زمینه توهم خداوندگاری او را فراهم کرده بود. این سرزمین علاوه بر رفعت برج‌ها و ارتفاع بالای کاخ‌ها، به سبب‌های مختلف از جمله عوامل امنیتی و حفاظتی، دارای دروازه‌های و ورودی‌های مختلفی بود که به نوعی می‌تواند نشان از ازدحام ورود و خروج و کثرت رفت و آمد مردم در این سرزمین یا کثرت جمعیت ساکن در آن منطقه باشد. قرآن کریم در ضمن نقل داستان حضرت یوسف، می‌گوید هنگامی که برای بار دوم فرزندان یعقوب خواستند به مصر بروند، یعقوب به فرزندانش چنین گفت: «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ» و گفت: ای پسران من، از یک دروازه درون نشوید و از درهای پراکنده درون شوید» (یوسف، ۶۷).

در اینکه چرا یعقوب به فرزندانش توصیه کرد هنگام ورود به مصر از یک در وارد نشوند، تفاسیر متعددی از سوی مفسران ارائه شده است. برخی گفته‌اند این توصیه به سبب جمال و زیبایی فرزندان یعقوب بود که اگر همه از یک در وارد می‌شدند، مورد چشم‌زخم قرار می‌گرفتند. یعقوب توصیه کرد از یک در وارد نشده، به چند تقسیم شوند و از درهای مجزا وارد گردند. علت این توصیه هرچه باشد، ظاهر آیه به خوبی نشان می‌دهد جهت ورود به مصر و خروج از آن، درهای متعددی وجود داشته است، دروازه‌هایی که کاشف از این است که دور تا دور این کشور را دیوارها و حصارهای امنیتی و دیوارهای بلند فرا گرفته بود که معمولاً در زمان گذشته این تدابیر به سبب امور امنیتی و حفاظتی صورت می‌گرفت. تعبیر به «ابواب» و توصیف آن به «متفرقه» نیز

شاهدی برای کثرت نسبی این دروازه‌ها است؛ از این رو است که برخی مفسران گفته‌اند: شکی نیست که سرزمین مصر در آن زمان همانند همه مناطق، از دیوارهای بلند و درهای متعدد برای مسائل امنیتی و حفاظتی برخوردار بود» (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۲۶۰).

برخی مفسران ابواب اصلی مصر را چهار در دانسته‌اند که برای عبور و ورودهای کلی به سرزمین مصر از آن استفاده می‌شده است؛ ابن جوزی می‌گوید: دیدگاه جمهور مفسران بر این است که مراد آیه از «ابواب» درهای مصر است که چهار در داشته است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۵۵).

۵. ساختار شهری مصر

آیات شریفه دلالت دارند بر اینکه سرزمین مصر دارای مناطق و شهرهای متعددی بود که همگی ذیل حکومت و فرمانروایی مرکزی قرار داشتند که به‌نوعی فرمانبردار و ذیل ساختار حکومتی کلان یک مرکز قرار می‌گرفتند. برخی از این آیات چنین است: «قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ؛ كَتَبْنَا بِاللَّيْلِ عَلَى الْمَسَارِقِ بَلَدًا لِيُجِزُوا بِهَا وَبِأَنَّهَا كَانَتْ هَوَاءَ غَرَضًا وَالرَّحْمَةُ أَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشُرُودٌ» (اعراف، ۱۱۱)؛ «فَأَرْسَلْ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشُرُودٌ» (شعراء، ۵۳-۵۴). با این حال، به نظر می‌رسد در ساختار شهرسازی مصر، بنی‌اسرائیل جمعیت زیادی را نداشتند که در مدینه اصلی و مرکزی بیشتر تمرکز داشتند؛ علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر آیه می‌گوید: بنی‌اسرائیل جمعیتی اندک بودند؛ چراکه کلمه شُرُودَة تمه مختصری را گویند که از چیزی باقی مانده باشد و با اینکه خود کلمه اندک بودن را می‌رساند، با این حال به لفظ قلیل نیز مقید شده است تا تأکید قلت بوده باشد و معنای بسیار قلیل را برساند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۷۷).

به‌رغم این تعدد سرزمینی، یک شهر همانند دوران کنونی نقش محوری را داشته و همه امور در آنجا رتق و فتق می‌شده است. در این شهر فرعون قرار داشت و بیشتر

احوالاتی که آیات شریفه ذکر می کند، ناشی از همین منطقه شهری و جغرافیایی است؛ همان طور که می تواند وجود «ال» تعین بر واژه «مدینه» در آیات کریمه دال بر همین حقیقت باشد؛ یعنی اشاره به مدینه خاص دارد که مرکز و پایتخت بوده است؛ «قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنْ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُتُمْوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا؛ فرعون گفت: آیا پیش از آنکه من به شما رخصت دهم به او ایمان آوردید؟ این حيله‌ای است که درباره این شهر اندیشیده‌اید تا مردمش را بیرون کنید. به زودی خواهید دانست» (اعراف، ۱۲۳).

در همین شهر مرکزی بود که جریان حضرت موسی اتفاق افتاد و زمینه برای هجرت ایشان را فراهم کرد: «فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَعَوِي مُبِينٌ؛ دیگر روز در شهر ترسان و چشم بر راه حادثه می گردید. مردی که دیروز از او مدد خواسته بود، باز هم از او مدد خواست. موسی به او گفت: تو به آشکارا گمراه هستی» (قصص، ۱۸) و در همین مدینه در دوران حضرت یوسف، داستان کامجویی زلیخا رخ داد: «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ زنان شهر گفتند: زن عزیز در پی کامجویی از غلام خود شده است و شیفته او گشته است. ما وی را در گمراهی آشکارا می بینیم» (یوسف، ۳۰). بنابراین در خصوص ساختار شهری سرزمین مصر می توان افزود بخش مرکزی مصر، برخوردار از نظام فرمانبرداری بود و هدایت امور را برعهده داشت و به سبب همین محوریت، ازدحام و تراکم جمعیت متوجه این قسمت سرزمینی از مصر بود و پس از تصمیم گیری در خصوص امور مختلف، با ابزارهای اطلاع رسانی روز، به شهرها و مناطق دیگر اطلاع داده می شد؛ همان طور که در داستان ساحران، پس از تصمیم ملاً قوم، قرار بر اطلاع رسانی روز مبارزه به شهرهای کوچک تر شد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که از آیات قرآن کریم درباره مصر باستان و مصر زمان موسی و

یوسف بیان کردیم، این نتیجه به دست می آید که سرزمین مصر، از حیث شهرسازی و ساختار معماری یکی از مدرن ترین مناطق در تاریخ بشر محسوب می شود که نشان از وجود دانش فنی مناسب در خصوص این مقوله در آن برهه زمانی دارد؛ البته فرهنگ مادی بر این تمدن حاکم بود؛ از این رو حاکمان چنین تمدنی در مقابل پیامبران الهی ایستادند و نمی خواستند فرهنگ الهی بر سرزمین مصر چیره شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتب العربی.
۲. ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب الغزیز (محقق: عبدالسلام عبدالشافی محمد). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التویر. بی جا: بی نا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دارصادر.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (محقق: محمد عبد الرحمن المرعشلی). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. لبنان: دارالعلم.
۷. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۱۹ق). ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۸. سید قطب بن ابراهیم شاذلی. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن (چاپ هفدهم). بیروت: دارالشروق.
۹. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: مؤلف.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۹۸۵م). مجمع البحرین. بیروت: دار مکتبه الهلال.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق) کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
۱۴. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۹ق). الاصفی فی تفسیر القرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. قمی، علی ابن ابراهیم. (۱۳۶۷) تفسیر قمی. قم: دارالکتب.
۱۶. کاشانی، ملافتح الله. (۱۴۲۳ق). زیده التفاسیر. قم: بنیاد معارف اسلامی.

۱۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
۱۸. مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام.

References

* The Holy Qur'an

1. Baizawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Ta'awil*. (Al-Marashli, M. A, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
2. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab Al-Ain*. Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
3. Feiz Kashani, M. (1419 AH). *Al-Asefi fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Propaganda Office. [In Arabic]
4. Ibn Ash'ur, M. (n.d.). *Al-Tahrir va al-Tanwir*.
5. Ibn Atiyah Andelosi, A. (1422 AH). *Al-Muharrar al-Vajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*. (Mohammad, A, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
6. Ibn Jowzi, A. (1422 AH). *Zad al-Masir fi ilm al-Tafsir*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Arabi. [In Arabic]
7. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. (3rd ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
8. Kashani, M. (1423 AH). *Zobdah al-Tafasir*. Qom: Islamic Education Foundation. [In Arabic]
9. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Al-Wafa Institute. [In Arabic]
10. Makarem Shirazi, N. (1372 AP). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
11. Makarem Shirazi, N. (1421 AH). *Al-Amthal fi tafsir Kitab Allah al-Munzal*. Qom: Amir al-Mo'menin School. [In Arabic]
12. Maraghi, A. (n.d.). *Tafsir al-Maraghi*, Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
13. Moghniyeh, M. J. (1424 AH). *Tafsir al-Kashif*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
14. Qomi, A. (1367 AP). *Tafsir Qomi*. Qom: Dar al-Kotob. [In Persian]
15. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz Qur'an*. Lebanon: Dar al-Ilm. [In Arabic]

16. Sabzewari Najafi, M. (1419 AH). *Irshad al-Adhan ila tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ta'arof le al-Matbu'at. [In Arabic]
17. Sadeghi Tehrani, M. (1419 AH). *Al-Balagh fi Tafsir al-Qur'an be al-Qur'an*. Qom: Mu'alif. [In Arabic]
18. Sayyid Qutb bin Ibrahim Shazeli. (1412 AH). *Fi Zilal al-Qur'an*. (17th ed.). Beirut: Dar Al-Shorough. [In Arabic]
19. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (3rd ed.). Tehran: Naser Khosrow Publications. [In Persian]
20. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
21. Tarihi, F. (1985). *Majma al-Bahrain*. Beirut: Dar Maktab Al-Hilal.